

# مشارکت اجتماعی

## در مدرسه

فاطمه سلیمی

کارشناس مطالعات اجتماعی و دبیر آموزش و پرورش

### اشاره

پدیده‌های مفهومی بسیاری در شبکه‌ی مفهومی بشر در عصر حاضر برجسته و فعال شده است. مفاهیمی از قبیل، سرنوشت جمعی، خرد جمعی، هویت اجتماعی، اراده‌ی جمعی، مشارکت، کنش مندی، عدم تمرکز، هم‌اندیشی، همایش، همگرایی، هم‌نوایی، همکاری، وفاق اجتماعی، موفقیت جمعی و... این همه نشانگر آن است که سرنوشت جمعیت‌ها و اجتماعات بشری و بلکه سرنوشت جمعی بشر علاوه بر اراده الهی، به درک و فهم مشارکت اجتماعی و اقدام و عمل متناسب با آن بستگی تام و تمام دارد، از این رو آموزش مفاهیم مربوطه از دغدغه‌های آموزش جهانی می‌باشد. همچنین بسامدی مفاهیم و واژگان یاد شده در بالا، انگیزه‌ی ما در پرداختن به مقوله‌ی حیاتی مشارکت اجتماعی است. مقاله‌ی حاضر و آثار قلمی ارسالی بعدی خوانندگان را به استقبال نشسته‌ایم.

### مقدمه

در عرصه‌ی بین‌المللی، اصطلاح «برنامه‌ریزی مشارکتی» در اوایل سال ۱۹۷۳ میلادی، پس از طرح کمک‌های خارجی ایالات متحده آمریکا مطرح شد. ظاهراً این برنامه به منظور ایجاد الگویی مبتنی بر سیاست‌های خود برداشته و توزیع مبنایی میان گروه‌های اجتماعی شهری و روستایی و میان مناطق و جنسیت‌های متفاوت استوار بوده است. در پی این طرح، «سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه» (OECD) در سال ۱۹۷۴ و «یونسکو» در سال ۱۹۷۷، این اصطلاح را به کار بردند و از آن پشتیبانی کردند.

در چارچوب توسعه‌ی بین‌المللی، این باور وجود دارد که مفهوم برنامه‌ریزی مشارکتی، به عنوان جای‌گزینی برای «برنامه‌ریزی تکنوکراتیک» که سازمان دهندگان کمک‌های بین‌المللی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ از آن طرفداری می‌کردند، در نظر گرفته شود. برنامه‌ریزی تکنوکراتیک بر بنیاد مهارت‌های برنامه‌ریزی استوار بود. برنامه‌ریز تکنسینی بود که به داده‌ها دسترسی داشت و می‌توانست از میان راهکارهای متفاوت یکی را برگزیند و آینده را پیش‌بینی کند. گذشت زمان نشان داد که این رویکرد در اصلاح وضع آموزش و پرورش به توفیق چندانی دست نمی‌یابد. اندیشه‌گران تربیتی، در واکنش نسبت به این عملکرد ضعیف، این بحث را پیش کشیدند که برنامه‌ریزی آموزشی بایسته است به دیدگاهی روی آورد که توفیق آن به دخالت مستقیم بخش مهمی از مردم که در این برنامه سهیم هستند، بستگی دارد. با پیش رفتن این رویکرد نو، برنامه‌ریزی‌ها از صورت‌های کیفی و اقتصاد سنجی، به رویکردهای کیفی سوق داده شدند. در برنامه‌ریزی مشارکتی، دانش و نظرهای مراجعان آموزش و پرورش، یعنی توده‌ی مردم، چونان عناصر جدایی‌ناپذیر در تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی در نظر گرفته شدند و برنامه‌ریزان از صورت مهندسان اجتماعی، به راهنمایان یا سازمان‌دهندگان آموزش تغییر نقش دادند.

کلیدواژه‌ها: مشارکت اجتماعی، بهره‌وری، برنامه‌ریزی مشارکتی

## تعاریف مشارکت

از مفهوم مشارکت تفسیرهای متعددی به عمل آمده است. گونه‌گونی تفسیرها سبب شده است، برخی آن را به کیسه‌ی شانس تشبیه کنند که عده‌ای تمایل دارند، با در اختیار داشتن آن، هرچه دل‌خواهشان است، از آن بیرون بکشند.

هم‌چنین، در تعریف مشارکت گفته‌اند: «مشارکت امری از پیش مشخص شده نیست» بلکه باید ابعاد آن را خود ترسیم کنیم. [دری‌نوگورانی، ۱۳۶۹]. منظور از این سخن آن است که در باب مشارکت تعریف همگان‌پذیر وجود ندارد. بنابراین، با توجه به هدف و زمینه‌ی مورد نظر، باید از آن تصویری به‌دست دهیم. از بررسی تعریف‌های برنامه‌ریزی در این زمینه این استنباط را می‌توان داشت که مشارکت نوعی سهیم و دخیل شدن در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجراست. این تصمیم‌گیری معطوف به هدفی است که مشارکت‌کنندگان تمایل دارند برای تحقق آن هدف مشترک، با دیگران به کنش متقابل یاری‌گراانه بپردازند. پس اگر هدف مشترک در میان نباشد، یا دخیل و سهیم شدن در تصمیم‌ها عملی نباشد، مشارکت مفهوم نخواهد داشت. هدف ممکن است کسب منزلت اجتماعی، اجر اخروی، تشفی روانی، سود اقتصادی با برآوردن یک خواست درونی و جز این‌ها باشد.

در هر صورت، هدف از مشارکت برای شرکت‌کنندگان همواره یکسان نیست. هر مشارکت‌کننده با توجه به نیازها و علائق گوناگون خود، به مشارکت روی می‌آورد. گاهی هدف ابزاری است؛ یعنی منظور از شرکت در یک فعالیت، دست‌یابی به نیاز و علائق گذرا و فوری است. گاهی هدف غایی و عمیق است و اندیشه‌ی وسیع‌تری در تلاش‌ها نهفته است.

## مبانی نظری مشارکت

مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی و در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده، تعریف کرده‌اند؛ فرایندی که افراد جامعه به‌صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی، با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که به سهیم شدن آن‌ها در منابع اجتماعی منجر می‌شود، در آن شرکت می‌کنند [غفاری، ۱۳۸۰: ۴۲]. از حیث مفهومی، واژه‌ی «مشارکت» به معنای شراکت و همکاری در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمعی، گروهی و سازمانی به منظور بحث و تصمیم‌گیری، چه به‌صورت فعال و چه به‌صورت غیرفعال است. در مجموع، جوهره‌ی اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیر دانست [علوی‌تبار، ۱۳۷۹: ۱۵].

از منظر جامعه‌شناختی، باید بین مشارکت به عنوان عمل و به عنوان حالت و وضع تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول، داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده

نظر دارد. در معنای دوم نیز از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در جامعه خبر می‌دهد [بیرو، ۱۳۶۶: ۲۷۵]. مشارکت عمومی را می‌توان به عنوان یک نظام خودبسنده، و به عنوان ساختار یک نظام جدید نمایندگی محسوب کرد. [دشتی، ۱۳۷۶: ۱۶۴]. از منظر نظام‌مندی و کارکردی، مشارکت را سازوکاری برای بقا، توسعه و تعالی نظام اجتماعی دانسته‌اند که توسعه نیافتن ساختارهای لازم برای مشارکت و نهادی کردن آن، به انقراض نظام اجتماعی و سقوط آن می‌انجامد [مردوخی، ۱۳۷۳: ۱۷۱].

اوکلی برای تعریف مشارکت، به بیان سه تفسیر در خصوص مشارکت می‌پردازد که عبارت‌اند از:

- مشارکت به عنوان سهم داشتن؛
  - مشارکت به عنوان سازمان‌دهی؛
  - مشارکت به عنوان توانمندسازی [اوکلی و همکاران، ۱۹۹: ۹۸].
- مشارکت را می‌توان حرکت آگاهانه، فعال، آزاد و مسئولیت‌آوری دانست که برای تمثیت امور جامعه ضروری است [شادی‌طلب ۷: ۱۳۷۲]. به نظر رحمان (۱۹۹۳)، مشارکت فعالیتی سازمان یافته از طرف مردم متحد و منسجم است که اساس آن را متقاعد شدن افراد به کنش جمعی تشکیل می‌دهد. بر این مبنا، شمارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دست‌یابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند [طوسی، ۱۳۷۰: ۵۴].

در دوره‌ی اخیر به دلیل اهمیتی که مشارکت در عرصه‌ی حیات اجتماعی و مدنی پیدا کرده، بخش قابل ملاحظه‌ای از اندیشه‌ی علمای علوم اجتماعی، به خصوص در رشته‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی را به خود معطوف داشته است. براینکه این توجه طرح وجود چارچوب‌های نظری متنوع برای تبیین رفتارهای جمعی در اشکال گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است.

یکی از چارچوب‌هایی که برای تبیین رفتار مطرح شده، مدل آیزن و فیشرین است که می‌توان از آن برای تبیین رفتار مشارکتی نیز استفاده کرد. در قالب این مدل، برای تبیین رفتار ابتدا باید به آمادگی و با گرایش بروز رفتار و با انجام عمل توجه نمود، زیرا گرایش و آمادگی برای رفتار مقدم بر خود رفتار و عمل است. به نظر آن‌ها، رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به‌وجود می‌آید. حلقه‌ی ماقبل بروز رفتار، قصد و نیت برای انجام دادن آن رفتار است. نیت نیز تابع دو متغیر «گرایش به رفتار» و «هنجار ذهنی» است. گرایش به رفتار یک متغیر فردی و شخصی است و متغیر هنجار ذهنی بیانگر نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای انجام دادن کاری احساس و ادراک می‌کند. هر یک از متغیرهای گرایش به رفتار و هنجار ذهنی نیز تحت تأثیر متغیرهای دیگری هستند، متغیرهای گرایش به رفتار تحت تأثیر دو متغیر «انتظار فایده» و «ارزیابی فایده» است. متغیر هنجار ذهنی تحت تأثیر دو متغیر انتظار

از دیگران، به خصوص دیگران مهم و نیز انگیزه‌ی پیروی از انتظارات دیگران است.

● اجتناب از امر و نهی صریح از طرف دستگاه مرکزی آموزش و پرورش در زمینه‌ی امور تربیتی نواحی و مدارس و تحمیل نکردن دیدگاه‌هایشان در مورد برنامه‌سازان مدارس و شیوه‌ی تدریس و استخدام معلم.

**آمریکا:** آموزش و پرورش در آمریکا به صورت غیرمتمرکز اداره می‌شود. کنگره از طریق وضع قوانین، اعتبارهایی برای آموزش و پرورش مناطق و دولت‌های محلی در نظر می‌گیرد و دولت‌های محلی نیز هر کدام اقدام‌های ویژه‌ای را توسط هیئت‌های آموزشی محلی برای تحقق سیاست‌های آموزشی به انجام می‌رسانند. در حالی که دپارتمان‌های ایالتی بر چگونگی اجرای برنامه‌ها در مدارس نظارت دارند، شهروندان مناطق محلی از طریق هیئت‌های منتخب محلی، بر امور مدرسه‌های خود نظارت مستقیم دارند. سیاست‌های آموزشی را هیئت‌های آموزش و پرورش در چارچوب قوانین فدرال تدوین می‌کنند که معمولاً با نظرخواهی از مدیران، معلمان و شهروندان صورت می‌گیرد و به صورت جزوه منتشر می‌شود. بنیادهای گوناگون چون بنیاد راکفلر و جی.ای.بی، و بنیاد معافیت از مالیات، به شکل‌های گوناگون به افراد مستعد و فرودست جامعه کمک‌های مالی می‌کنند تا افراد به سبب فقر مالی از تحصیل باز نمانند.

**اندونزی:** در کشور اندونزی آموزش و پرورش از جمله مسئولیت‌های خانواده، جامعه و دولت است. منابع مالی از طریق خانواده در سطوح مختلف به‌طور نقدی، یا از طریق انجمن اولیا و مربیان و شهریه‌های رسمی در سطوح متوسط و عالی تأمین می‌شود. آموزش ابتدایی مجانی است.

P.A برای ارتقا و افزایش مشارکت مردم، مرتب با مردم به مشاوره می‌پردازد و به هیئت‌ها و شوراهای آموزش مسئولیت تفویض می‌کند. به منظور تصمیم‌گیری در زمینه‌ی امکانات آموزشی و مشارکت در اجرای برنامه‌ها نیز، سازمان‌های داوطلب و تأمین امکانات مالی، تسهیلاتی فراهم می‌سازند. مردم اندونزی در سطوح گوناگون اجتماعی مسئولیت‌هایی را در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی

### مشارکت مردم در دیگر کشورهای جهان

یکی از پرسش‌های پژوهش حاضر این بود که: «وضع کشورهای دیگر در زمینه‌ی مشارکت مردم چیست و از تجربه‌ی این کشورها چه می‌توان آموخت؟»

**آلمان:** در کشور آلمان نهادهای آموزشی خصوصی، از کودکان تا مدرسه (و اخیراً دانشگاه)، برای پیشرفت آموزش خدمات رسمی در اختیار می‌گذارند. قانون اساسی آلمان، با دادن اجازه‌ی فعالیت به افراد، مدرسه‌ها را از اعضای دولت خارج کرده و با هدف ایجاد زمینه‌های تنوع در مدارس (آزادی انتخاب مدرسه)، دموکراسی لیبرالی و جامعه‌ی کثرت‌گرا را، جامعه‌ی عمل پوشانده است [walford, 1989: 151].

منابع مالی نهادهای آموزشی خصوصی را می‌توان در چهار مقوله‌ی شهریه‌مداری، یارانه‌ی عمومی، کمک‌های مالی هیئت‌های به‌وجود آورنده‌ی این نهادها، و هدایا طبقه‌بندی کرد. به این منابع باید خدمات رایگان، مانند تدریس رایگان اعضای مدرسه‌های فرقه‌های دینی را نیز اضافه کرد. به استثنای آموزش عالی یا پس از دبیرستان، کلاً بودجه آموزش و پرورش در دست ایالت‌ها و جماعت‌های محلی است. هزینه‌های کارکنان را دولت و کارهای رونمایی را جمعیت‌های محلی تأمین می‌کنند.

**انگلستان:** آموزش و پرورش در انگلستان به شیوه‌ی غیر متمرکز اداره می‌شود. اختیارات و مسئولیت‌های دستگاه مرکزی و مقامات محلی آموزش و پرورش بر اساس ضوابط زیر تعیین می‌شوند:

- تفویض اختیارات وسیع به مقامات محلی (کمیسیون آموزش و پرورش و اداره‌ی آموزش و پرورش) که اعضای این کمیسیون‌ها را مردم یا حکومت‌های محلی انتخاب می‌کنند.
- ترغیب و تشویق مردم و مؤسسات و انجمن‌های داوطلب به منظور سرمایه‌گذاری و شرکت در اداره‌ی امور تربیتی.



جدول وضعیت مشارکت در آموزش و پرورش کشورهای منتخب

کوبا	زیمبابوه	چین	اندونزی	آمریکا	انگلستان	آلمان
<p>۱. مشارکت مردمی</p> <p>۲. هم در مدارس دولتی و هم در مدارس خصوصی صورت می‌گیرد</p> <p>۳. باسواد برای ریشه کن کردن بی‌سوادی</p> <p>۴. مشارکت در مدرسه مردمی است.</p>	<p>۱. مشارکت مردمی</p> <p>۲. هم در مدارس دولتی و هم در مدارس خصوصی صورت می‌گیرد</p>	<p>۱. موفقیت کلید است.</p> <p>۲. توجه به چهار عنصر نوگرایی</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>● علم و فناوری</li> <li>● کشاورزی</li> <li>● دفاع</li> <li>● صنعت</li> </ul> <p>۳. منابع مالی از طریق</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>● دولت</li> <li>● هدایا</li> <li>● درآمدهای خدمات اجتماعی</li> <li>● شهریه</li> <li>● مؤسسه‌های اقتصادی و درآمد حاصل از فعالیت‌های اقتصادی</li> <li>● کمک‌های مردمی</li> </ul>	<p>۱. آموزش و پرورش از مسئولیت‌های خانواده <ul style="list-style-type: none"> <li>● جامعه</li> <li>● دولت</li> </ul> <p>۲. منابع مالی از طریق خانواده به طور نقدی</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>● انجمن اولیا و مربیان</li> </ul> <p>۳. آموزش ابتدایی مجانی است.</p> <p>۴. مردم در سطوح مختلف اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی و آموزشی مشارکت دارند.</p> </p>	<p>۱. غیرمتمرکز</p> <p>۲. اعتبار برای آموزش و پرورش کنگره از طریق وضع قوانین می‌گیرد</p> <p>۳. دپارتمان‌های ایالتی بر چگونگی اجرای برنامه‌ها در مدارس نظارت دارند.</p> <p>۴. سیاست‌های آموزشی در چهار چوب قوانین فدرال است.</p> <p>۵. کمک‌های مالی برای افراد مستعد و فرودست جامعه توسط بنیادهای مثل جی‌ای‌بی بنیاد معافیت از مالیات صورت می‌گیرد</p>	<p>۱. غیر متمرکز</p> <p>۲. تقویت اختیارات وسیع به مقامات محلی</p> <p>۳. ترغیب و تشویق مردم</p> <p>۴. اجتناب از امر و نهی صریح و تحصیل نکردن دیدگاه‌هایی در مورد برنامه‌سازان مدارس و شیوه‌ی تدریس و استخدام معلم.</p>	<p>۱. نهادهای آموزشی خصوصی برای پیشرفت آموزش خدمات رسمی در اختیار می‌گذارند.</p> <p>۲. خارج شدن مدارس از انحصار دولت</p> <p>۳. هدف ایجاد زمینه‌های تنوع در مدارس، آزادی انتخاب مدارس</p> <p>۴. یعنی دموکراسی لیبرال و جامعه کثرت‌گرا</p> <p>۵. منابع مالی آموزش خصوصی</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>● شهریه‌ی مدارس</li> <li>● پارانه‌ی عمومی</li> <li>● کمک‌های مالی هیئت‌های به وجود آورنده‌ی این نهادها</li> <li>● هدایا</li> <li>● خدمات رایگان</li> </ul> <p>۶. بودجه‌ی آموزش و پرورش به دست ایالت‌ها و جمعیت‌های محلی است</p> <p>۷. هزینه‌های کارکنان به عهده‌ی دولت</p> <p>۸. هزینه‌ی کارهای روئینایی به عهده‌ی جمعیت‌های محلی</p>

و آموزشی پذیرا شده‌اند. عده‌ی بسیاری از مردم با دستگاه‌های اجرایی، همکاری افتخاری دارند. حتی بسیاری از مردم ماهانه مبلغی به حساب ادارات و دستگاه‌هایی که به روستاها و شهرستان‌ها خدمات می‌دهند، واریز می‌کنند. تمام این کارها داوطلبانه و با شوق و رغبت انجام می‌گیرد.

کلاس‌های سوادآموزی پس از اتمام به مراکز کار و تلاش تبدیل می‌شوند و بدین وسیله، مشارکت اقتصادی در کنار مشارکت آموزشی تحقق پیدا می‌کند. این برنامه‌ها باعث توفیق چشم‌گیر این کشور در عرصه‌ی بین‌المللی شده است. بخش اعظم این توفیق بین‌المللی و اقتصادی مدیران تدابیر نظام آموزشی و اداره‌ی کشور به‌صورت مشارکت همگانی در امور گوناگون است.

**چین:** مردم چین آموزش و پرورش را کلید موفقیت‌ها در مورد چهار عنصر نوگرایی، یعنی علم و فناوری، کشاورزی، دفاع و صنعت می‌دانند و در آن فعالانه مشارکت می‌کنند. در چین کودکانها از گسترش خاصی برخوردارند و به وسایل آموزشی و بازی مجهز هستند، بسیاری از وسایل و اسباب‌بازی‌های آن‌ها را کارخانه‌های مجاور آن‌ها می‌سازند و در اختیارشان می‌گذارند. دانش‌آموزان دبیرستانی نیز در ایام تعطیل در فعالیت‌های اجتماعی، مانند کار در اتوبوس‌ها، کمک به سالمندان، توزیع شیر و روزنامه، برگرداندن اشیای پیدا شده به صاحبانشان، مشارکت می‌کنند.

آموزش و پرورش گذشته از بودجه‌ی دولتی، از منابع دیگر مثل مالیات مخصوص، هدایا، درآمدهای خدمات اجتماعی، شهریه و حق‌الزحمه‌هایی که مردم تقبل می‌کنند تأمین می‌شود. برای نمونه، حقوق ۳۷ درصد معلمان از پرداخت‌های خود مردم پرداخت می‌شود [رضوانی، ۱۳۷۳]. حقوق ۴۱ درصد از معلمان تمام وقت مدارس ابتدایی و ۱۰ درصد معلمان تمام‌وقت متوسطه را نیز جامعه‌های محلی می‌پردازند [Broy, 1996].

کمک‌های مالی و هدایای مجامع، بنیادهای آموزشی و مؤسسه‌های اقتصادی، و درآمد حاصل از فعالیت‌های اقتصادی مدارس و حق‌الزحمه و شهریه‌های گوناگون، از دیگر منابع تأمین بودجه آموزش کشور چین هستند. گفتنی است دانش‌آموزان ضمن شرکت در مدارس کار دانش،

به مشارکت‌های سیاسی نیز می‌پردازند. چون بر اساس باور چینی‌ها، آموزش و پرورش ضمن مولد بودن باید سیاسی هم باشد. لازم به ذکر است که کار در خارج از مدرسه بخشی از برنامه‌ی مدارس است و در نوعی از مدارس حرفه‌ای درس و کار سهمی برابر دارند.

**زیمبابوه:** با توجه به زیربنای اقتصادی ضعیف این کشور، تأمین هزینه‌های عمرانی و جاری آموزش و پرورش بدون بسیج منابع محلی ممکن نیست. لذا مشارکت مردم هم در مدارس دولتی که ۵/۸ درصد کل مدارس ابتدایی کشور را شامل می‌شود و هم در مدارس تحت حمایت دولت که به دست مسئولان غیردولتی تأسیس و نگهداری می‌شوند صورت می‌گیرد و دولت به ازای هر دانش‌آموز، کمک هزینه‌ای پرداخت می‌کند. در حدود ۷۵ درصد هزینه‌ی احداث مدرسه، از طریق کار داوطلبانه انجام می‌شود و تأمین مصالح به عهده‌ی مردم است. اداره‌ی مدارس نیز با شهریه یا جمع‌آوری وجوه صندوق پول عمومی انجام می‌گیرد [لاکهد و دیگران، ۱۳۷۱].

تا سال ۱۹۷۹ در زیمبابوه میان سفیدپوستان و سیاه‌پوستان نابرابری آموزشی حاکم بود. برای نمونه، ۸۶ درصد مدارس سفیدپوستان دولتی و ۱۴ درصد خصوصی بود. آموزش فرزندان سیاهان نیز از طریق مدارس میسیون‌ها انجام می‌گرفت. دولت پس از استقلال توانست فرصت‌های آموزشی را متعادل تر کند.

**کوبا:** در کوبا معلمان با دانش‌آموزان در مزارع به‌کار مشغول می‌شوند. در سراسر کوبا مدارس متوسطه به‌صورت «باغ مدرسه» درآمده است و در آن‌جا انواع سبزی‌ها و میوه‌های مورد نیاز جامعه را فراهم می‌آورند [مشایخی، ص ۸۸، به نقل از محسن پور].

دولت کوبا در آغاز سوادآموزی از جوانان کمک خواست. صد هزار دانش‌آموز و ۱۴۰ هزار زن و مرد کوبایی داوطلبانه به این کار همت گماشتند. تعداد کل داوطلبان به ۲۵۰ هزار تن رسید [کازل، ۱۳۵۸]. که مشارکت وسیعی را در ریشه‌کنی بی‌سوادی سامان دادند و پادگان‌های نظامی رژیم باتیستا را به مدرسه و بیمارستان تبدیل کردند [والد، ۱۳۶۰].

«اتحادیه پیشگامان کوبا» به گفته‌ی کارن والد فعالیت‌های بی‌شماری را در مدارس سامان دادند. با توجه به مطالعه‌ی کشورها، آموزش و پرورش نهادی دولتی - مردمی است که از اهمیت خاصی برخوردار است. این تنها نهادی است که مردم با میل و رغبت حاضرند، کمی و کاست آن را برطرف کنند. زیرا دانش و فناوری را پایه و بنیاد اصلی کشور می‌دانند.

**ایران:** در ایران، این مشارکت به‌صورت‌های متنوعی بروز کرده است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: وقف، انجمن اولیا و مربیان مدرسه‌سازی، خیرین مدرسه‌ساز، مدارس غیرانتفاعی، مدارس نمونه‌ی مردمی، شوراهای آموزش و پرورش. مشارکت‌های دستگاه‌های دولتی و غیردولتی در آموزش و پرورش ما در ادامه، تأثیر اجتماعی و فرهنگی بعضی نهادها را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.





## با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های عمومی دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

➤ **رشد کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)

➤ **رشد خواتموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)

➤ **رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)

➤ **رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)

➤ **رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های عمومی پررنگسال

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

➤ **رشد آموزش ابتدایی** ➤ **رشد آموزش راهنمایی تحصیلی** ➤ **رشد تکنولوژی آموزشی** ➤ **رشد مدرسه فردا** ➤ **رشد مدیریت مدرسه** ➤ **رشد معلم**

مجله‌های اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

➤ **رشد برهان راهنمایی** (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی) ➤ **رشد برهان متوسطه** (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی) ➤ **رشد آموزش قرآن** ➤ **رشد آموزش معارف اسلامی** ➤ **رشد آموزش زبان و ادب فارسی** ➤ **رشد آموزش هنر** ➤ **رشد مشاور مدرسه** ➤ **رشد آموزش تربیت بدنی** ➤ **رشد آموزش علوم اجتماعی** ➤ **رشد آموزش تاریخ** ➤ **رشد آموزش جغرافیا** ➤ **رشد آموزش زبان** ➤ **رشد آموزش ریاضی** ➤ **رشد آموزش فیزیک** ➤ **رشد آموزش شیمی** ➤ **رشد آموزش زیست‌شناسی** ➤ **رشد آموزش زمین‌شناسی** ➤ **رشد آموزش فنی و حرفه‌ای** ➤ **رشد آموزش پیش‌دبستانی**

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران، مربیان و مشاوران مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

➤ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

➤ نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

➤ تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۴۹۰۹۹

➤ E-mail: info@roshdmag.ir ➤ www.roshdmag.ir

۱. تأثیر اجتماعی و فرهنگی وقف: وقف عملی داوطلبانه است، نه اجباری و واقف مدرسه آگاهانه این کار را انجام می‌دهد، نه از روی غریزه و... به همین علت، برای وقف انگیزه‌های گوناگون در میان بوده‌اند که غالباً ریشه‌ی اجتماعی و فرهنگی دارند؛ از جمله:

- انگیزه‌ی دینی و اعتقاد به خدمت در راه خدا و فراهم ساختن توشه‌ی آخرت؛

- انگیزه‌ی خدمت به هم‌نوع؛

- حفظ اموال از آسیب مصادره؛

- ایجاد درآمد مستمر برای وارث و علاقه به گسترش علم و دانش. مطالعه‌ی تاریخ وقف نشان می‌دهد که از عمده‌ترین هدف‌های وقف کار فرهنگی و اجتماعی بوده است. این سنت نیکو در سراسر دنیا به صورت ایجاد کتاب‌خانه، مدرسه، مسجد، شفاخانه، موزه‌ها، انتشارات، حفظ آثار هنری، حفظ آثار باستانی، ساختن خوابگاه دانش‌آموزی و دانشجویی انجام می‌گیرد. وقف مصداق تعاون و تعدیل ثروت در جامعه است که می‌تواند پیامدهای مناسب اجتماعی داشته باشد.

۲. تأثیر اجتماعی و فرهنگی انجمن اولیا و مربیان: این انجمن مناسب‌ترین راه مشارکت است و بر سودمندی و تأثیر آن در ابعاد وسیع اجتماعی و فرهنگی تأکید می‌شود. اگر کاستی‌های آن برطرف شود، می‌تواند بسیاری از مسائل آموزش و پرورش را کاهش دهد. این انجمن‌ها در اکثر مدارس تشکیل می‌شوند و مردم با اهداف آن آشنایی دارند. چون جلسات عمومی - سخن‌رانی‌ها و کمیته‌های آن، محل برخورد اندیشه‌های صاحب‌نظران، متخصصان و هم‌فکری است و اثر و تعالی اجتماعی و فرهنگی را سبب می‌شود.

۳. تأثیر اجتماعی و فرهنگی مدارس غیرانتفاعی: کسانی که نسبت به مدارس غیرانتفاعی نظر مخالف دارند، عمده‌ترین ایراد این مدارس را پیامدهای نامناسب اجتماعی و فرهنگی دانسته و آن را با ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی و جامعه‌ی عدالت‌خواه امروزی کشور ایران سازگار ندانسته‌اند. اغلب آن‌ها بر این باور بودند که درآمد حاصل از این نوع مدارس برای وزارت آموزش و پرورش، در مقایسه با نگرش‌های منفی و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی ناخوشایندی که داشته است، چندان قابل توجه و توجیه نیست. گفتنی است که این افراد کمک مردم به آموزش و پرورش و مشارکت در ابعاد وسیع و گوناگون را از ضرورت‌ها شمرده‌اند. ولی این مدارس را از نظر ارزشی و اجتماعی چندان مناسب ارزیابی نکرده‌اند.

- مدارس غیرانتفاعی به سبب متکی بودن به شهریه نمی‌توانند پوشش و گسترش وسیعی داشته باشند.

- از نظر عدالت اجتماعی و برابری برخورداری از امکانات آموزشی، مدارس غیرانتفاعی، اختلاف فاحشی از نظر امکان توفیق پیشرفت با مدارس دولتی دارند. این امر از نظر فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی، این تأثیر ناخوشایند را در افکار عمومی به وجود آورده است که مدارس غیرانتفاعی ویژه‌ی فرادستان جامعه هستند.



## برگ اشتراک مجله های رشد

### شرایط:

- ۱- پرداخت مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله‌ی درخواستی، به صورت علی الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
- ۲- ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک باپست سفارشی. (کپی فیش رانزد خودنگه دارید.)

### نام مجله های درخواستی :

.....  
 .....

### نام و نام خانوادگی :

.....

### تاریخ تولد:

.....

### میزان تحصیلات:

.....

### تلفن:

.....

### نشانی کامل پستی:

.....

.....

.....

.....

\* در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده آید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

.....

☎ امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۲۱

● صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

☎ پیام گیر مجله های رشد: ۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۸۲

### یادآوری:

- \* هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، بر عهده‌ی مشترک است.
- \* مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک است.

● دست‌اندر کاران موافق مدارس غیرانتفاعی کوشیده‌اند با طرح‌هایی چون طرح رافع، یا تخفیف و اعمال سیاست‌های انقباضی و جز آن‌ها، هم از رشد بی‌رویه‌ی این مدارس جلوگیری کنند و هم با توجه به نگرش منفی افکار عمومی نسبت به این مدارس، رشد عوارض اجتماعی و فرهنگی را تا حدودی کاهش دهند.

● تأثیر اجتماعی فرهنگی مدارس نمونه‌ی مردمی، استقبال گروه قابل توجهی از مردم از این مدارس، مؤید این نظر است که به جای مدارس غیرانتفاعی، بهتر است مدارس نمونه‌ی مردمی را گسترش دهیم. از حیث ساختار اجتماعی و فرهنگی و حتی معیشتی داوطلبان مدارس نمونه‌ی مردمی، می‌توان گفت این مدارس از نظر طبقاتی کردن مدارس، در حد مدارس غیرانتفاعی به واکنش‌های اجتماعی دامن نزده‌اند. چرا که همه‌ی امکانات این مدارس دولتی است و مردم فقط بخشی از هزینه‌های آن را تقبل می‌کنند که برای داوطلبان ثبت‌نام در این مدارس، هزینه‌ی چندان بالایی نیست؛ به‌ویژه این که به بعضی از دانش‌آموزان تخفیف‌های مناسب نیز داده می‌شود و منافع شخصی در مدارس وجود ندارد.

از نظر عدالت اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی، بعضی بر این بودند که مدارس نمونه‌ی مردمی، به تبع پیامدهای گوناگون مدرسه‌ها، مدارس دولتی را از دانش‌آموزان مستعد خالی می‌کند. پرداخت شهریه به این مدارس برای همه مقدور نیست و کلاً جدا کردن دانش‌آموزان به ویژه بر اساس پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان، دور از انصاف است.

### نتایج مثبت مشارکت

مشارکت دادن مردم در امور فرهنگی و اجتماعی و... دارای نتایج

مثبت زیر است:

- بهره‌وری در کار افزایش می‌یابد.
- میان ملت یگانگی به‌وجود می‌آید، از تمام منابع محلی بهره‌ی بهینه گرفته می‌شود و حمایت ملی از اقدام‌های فرهنگی و آموزشی گسترش می‌یابد.
- سرخوردگی از کار و افسردگی کاهش می‌یابد.
- دگرگونی (تحول) امکان‌پذیر می‌شود.
- ایستادگی و مقاومت در مقابل تغییرها کاهش می‌یابد.
- اعتماد مردم به یک‌دیگر و حکومت افزایش پیدا می‌کند.
- مردم‌سالاری جای خودکامگی را می‌گیرد و انسان‌ها در تعیین سرنوشت خود بیشتر سهیم می‌شوند.
- حاشیه‌نشینی که نوعی استثمارشدگی است، از میان می‌رود.
- انسان‌ها انگیزه، توان و نیروی بیشتری برای خدمت به یک‌دیگر می‌یابند. ترس و وحشت ناشی از تنهایی رخت برمی‌بندد.
- فرهنگ در خود فرورفتگی و فردیت منفی درهم می‌شکند.
- توسعه‌ی پایدار و همه‌جانبه تحقق می‌یابد.
- استعدادها شکوفا می‌شوند.

به علت کمبود جا منابع در دفتر مجله محفوظ است.